

شاهنامه‌ی فردوسی

تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات

مهری باقر

نشر نو
تهران
۱۳۹۱

شاهنامه‌ی فردوسی

تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات

نوشته مهری یعفر

فرهنگ نشر نو کتابخانه ادبیات شاهنامه - ۲

تهران: خیابان فروردین، نبش نظری.

پلاک ۱۰۴ - تلفن: ۶۶۴۹۱۵۸۰

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۱

شمارگان ۱۱۰۰

لینوگرافی صحیفه نور

چاپ کاج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه یعفر، مهری، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور شاهنامه‌ی فردوسی، تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات

/ مهری یعفر.

مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری ج.: جدول ۷۰۸ ص

فروست کتابخانه ادبیات فارسی

شابک 978-964-7443-70-8 ج. ۲

دوره: 978-964-7443-58-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات کتابخانه

ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۱) کتابنامه. نمایه

موضوع فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۲۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر.

شعر فارسی - قرن ۴ ق.

شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد

فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۲۴۱۶ ق. شاهنامه - شرح.

۱۳۹۱ ش ۲ ب ۹ / PIR ۴۴۹۵

۸۶۱/۲۱

شماره کتابشناسی ملی ۲۷۷۷۲۲۳

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

پها: ۴۲۰۰۰۰ ریال

بزرگا! جاودان مردا! هُشیواری و دانایی
 نه دیروزی که امروزی، نه امروزی که فردایی...
 به گردت شاعران انبوه و هر یک قلّه‌ای پشکوه
 تو اما در میان گویی دماوندی که تنهایی:
 سراندر ابرِ اسطوره به ژرفا ژرف اندیشه
 به زیر پرتو خورشید انایی چه زیبایی...
 پناه رستم و سیمرغ و افریدون و کیخسرو
 دلیری، پخزادی، رازی، توانایی و دانایی
 اگر شهراب، اگر رستم، اگر اسفندیار یل
 به هیجا و هجوم هر یکی شان صحنه آری
 پناه آرند سوی تو، همه، در تنگنای ما
 تویی سیمرغ فرزانه که در هر جای ملجایی
 اگر آن جاودانان در غبار کوچ تاریخ اند
 تو شان در کالبد جانی که ستواری و برجایی
 ز بهر خیزش میهن دمیدی جان شان در تن
 همه چون عازرند آنان و تو همچون مسیحایی
 اگر جاویدی ایران، به گیتی در، معمایی ست
 مرا بگذار تا گویم که رمز این معمایی:
 اگر خوزی، اگر رازی، اگر آتورپاتانیم
 تویی آن کیمیای جان که در ترکیب اجزایی
 طخارستان و خوارزم و خراسان و ری و گیلان
 به یک پیکر همه عضویم و تو اندیشه مایی
 تو گویی قصه بهر کودک کرد و بلوچ و لر
 گر از کاووس کی گویی و راز سهراب فرمایی...
 یکی کاخ از زمین افراشته در آسمان ها سر
 گزند از باد و از باران نداری کو و خاری...
 چو از دانایی و داد و خرد، داد سخن دادی
 مرنج ار در چنین عهدی، فراموشی بعدمایی
 ندانیم و ندانستند قدرت را و می دانند،
 هنرنسجان فردا که تو فردی و فردایی...

بخش هایی از شعر "جاودان خرد"
 سروده ی محمدرضا شفیعی کدکنی

فهرست

هفت	۱. پیشگفتار
هفده	۲. جدول نشانه‌های اختصاری نسخه‌بندل‌ها
نوزده	۳. جدول نشانه‌های آوانویسی و نشانه‌های راهنمای متن
۱	۴. پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود
۴۵۵	۵. برگردان عربی: فتح بن علی بنداری اصفهانی
۵۸۲	۶. برگردان انگلیسی: برادران وارنر
۵۸۵	۷. راهنمای فهرست‌ها
۵۸۷	۸. فهرست واژه‌های گزارش شده
۶۲۷	۹. فهرست واژه‌های ریشه‌شناسی شده (ایرانی باستان)
۶۳۱	۱۰. فهرست واژه‌های عربی
۶۳۳	۱۱. فهرست واژه‌های غیرایرانی و غیرعربی
۶۳۵	۱۲. فهرست نام کسان
۶۳۷	۱۳. فهرست نام مکان
۶۳۹	۱۴. بیت‌یاب
۶۶۵	۱۵. راهنمای کتابنامه
۶۶۷	۱۶. کتابنامه‌ی فارسی
۶۷۹	۱۷. کتابنامه‌ی لاتین

العادلی... که در عنفوان جوانی مرا هوس دفترخوانی و سخن نظم و نثر پارسی و تازی افتاد... چون به جانب عراق افتادم، به شهر اصفهان رسیدم. در کوچه‌ها و مدرسه‌ها و بازارها... می‌گشتم تا به مدرسه‌ی تاج‌الدین رسیدم، چون در رفته جماعتی دیدم نشسته و در کتابخانه باز نهاده و هر کسی چیزی می‌نوشت.

چون آن جمعیت دیدم پیش رفتم و سلام کردم و نشستم و گفتم: "در این خزانه شاهنامه‌ی فردوسی هست؟" صاحب خزانه گفت: "هست." برخاست و مجلد اول از شاهنامه به من داد. گفتم: "چند مجلد است؟" گفت: "چهار جلد است و در هر مجلدی پانزده هزار بیت." چون باز کردم خطی دیدم که صفت آن باز نتوان داد و جدولی و تذهیبی که به از آن نباشد." (ص ۲)

از دستنویس‌های کهن هفت جلدی و چهار جلدی شاهنامه تاکنون مجلدی به دست نیامده است. ریاحی دستنویس کهن شاهنامه را بنا به آنچه از نظامی عروضی نقل شد، و برخی دلایل دیگر، هفت مجلد می‌داند که در فواصل آن مدح محمود گنجانده شده است. به گمان وی وقتی فردوسی در تدوین دوم شاهنامه تصمیم می‌گیرد آن را برای محمود بفرستد، مدحی را که به این منظور می‌سراید به آغاز و پایان این مجلدات هفتگانه می‌افزاید. (ریاحی ۵۵۰۲).

بدین ترتیب وی به اعتبار جای قرار گرفتن مدح محمود، مجلدات دستنویس کهن را چنین می‌داند:

جلد اول - از آغاز شاهنامه تا آغاز داستان سهراب

جلد دوم - از آغاز داستان سهراب تا پایان داستان سیاوش و فرود

جلد سوم - از آغاز داستان کاموس کشانی تا پایان داستان دوازده رخ

جلد چهارم - از پادشاهی کیخسرو تا آغاز داستان رستم و شغاد

جلد پنجم - از آغاز داستان رستم و شغاد تا پایان داستان اسکندر

جلد ششم - از پادشاهی اشکانیان تا پایان انوشروان

جلد هفتم - از پادشاهی هرمزد تا پایان کتاب

در این جا بحث‌های مربوط به نبود نام محمود در بخش‌های نخست و ذکر بیش‌تر نام او در بخش‌های پایانی، و نتایجی که می‌توان گرفت مورد نظر نیست، پس از آن می‌گذرم.

پیشگفتار

در یادداشت آغاز دفتر دوم، نخست نگاهی دارم به مجلدات شاهنامه‌ی فردوسی یا بخش‌بندی شاهنامه به یک دفتر/دفترهای متعدد از گذشته تا امروز، سپس می‌پردازم به نحوه‌ی تقسیم داستان‌های شاهنامه در قالب مجلداتی که در این اثر مشاهده می‌کنید.

شاهنامه‌ی فردوسی بنا به آنچه از قدیم‌ترین یادکرده‌های متون کهن می‌توان دریافت، نخست در هفت مجلد و سپس در چهار مجلد کتابت و تنظیم شده بود. نظامی عروضی نوشته است: «پس شاهنامه علی دیلم در هفت مجلد نبشت و فردوسی بودلف را برگرفت و روی به حضرت نهاد به غزنین.» (چهارمقاله، ص ۷۸)

اگر یادکرد نظامی عروضی از مجلدات شاهنامه را مستند بدانیم، نه از شمار برخی گفته‌های او چون رفتن فردوسی به دربار محمود و نه برآمده از داستان‌پردازی در کاربرد رمزآمیز عدد هفت، می‌توان احتمال داد که دستنویس تدوین دوم شاهنامه، حدود ۴۰۰ هجری، در هفت مجلد تنظیم شده باشد.

شاید شاهنامه بعدتر چنان‌که علوی طوسی (حدود قرن نهم و دهم) در مقدمه‌ی معجم شاهنامه نوشته است، در چهار مجلد تنظیم شده باشد: «چنین گوید شریف دفترخان

برای بسیاری فقط این قطع و اندازه و شکل، حسب شاهنامه بودن کتاب را منتقل می‌کند. در سال ۱۳۱۲ خورشیدی، چاپ کلاله خاور، با مقابله‌ی شش نسخه از جمله تصحیح ترنر ماکان (چاپ کلکته)، تصحیح ژول مول، وولرس و... در پنج جلد در تهران منتشر شد. در سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۳ خورشیدی، چاپ بروخیم بر اساس متن وولرس و ترنر ماکان و مول در نه جلد در تهران به چاپ رسید. چاپ دبیرسیاقی بنا بر چاپ ترنر ماکان در شش جلد منتشر شد و سپس چاپ نه جلدی مسکو در تهران آفست شد. چاپ‌های یادشده نخستین شاهنامه‌های منتشر شده با شیوه‌ی جدید مقابله و تصحیح متن در ایران است و شاید بتوان آن را به نوعی بازگشت به شکل چند جلدی کتابت شاهنامه به شمار آورد.

از آن‌جا که رونید چاپ چند جلدی شاهنامه با چاپ‌های انتقادی آغاز شد، این شکل از چاپ در برابر شاهنامه‌ی تک جلدی قطع رحلی مصور مبنای نوعی تقسیم‌بندی کیفی متن واقع شده است. به عبارت دیگر اگرچه تعداد مجلدات مسئله‌ای کمی و بیرونی است، گاه به عنوان نشانه‌ی جایگزین معیارهای ارزش‌گذاری کیفی تلقی شده است.

چاپ‌های انتقادی شاهنامه که در سال‌های اخیر منتشر شده، هر کدام بنا به ملاحظات مختلف از نظر شمار مجلدات با یکدیگر تفاوت دارند. از آن میان می‌توان به چاپ پنج جلدی قریب-یهودی و چاپ چهار جلدی مصطفی جیوه‌نی اشاره کرد (همراه با یک جلد ضمیمه) و نیز به دوره‌ی هشت جلدی تصحیح خالقی مطلق و همکارانش.

تقسیم مجلدات شاهنامه در هر کدام از این چاپ‌ها بی‌تربدیه‌ها در نظر داشتن جنبه‌های مختلفی صورت پذیرفته است. مسائلی چون تناسب دوره‌ها با سازه‌های دروغ‌نایه‌ی داستان‌ها، قراردادن نسخه‌بدل‌ها در ذیل متن یا حذف آن، همچنین مسائلی که چاپ اثری حجیم پیش می‌کشد.

شاید بتوان مسائلی را که در تنظیم شاهنامه به مجلدات متعدد نقش دارند به دو دسته‌ی عمده تقسیم کرد: ملاحظات مربوط به داستان و دروغ‌نایه و دوره‌های شاهنامه و نیز مسائل فنی و اقتصادی چاپ اثری با حجم زیاد و امکانات پیوسته دگرگون‌شونده‌ی موجود در بازار نشر.

اثر حاضر، همچون دیگر چاپ‌های شاهنامه، ویژگی‌ها و اقتضائات خاص خود را

درباره‌ی شمار مجلداتِ کهن شاهنامه برداشت دیگری نیز قابل طرح است؛ محبتی مینوی باتوجه به برخی نسخ شاهنامه و یادداشت کاتب درباره‌ی دفترهای آن می‌گوید: «گمان می‌کنم در حدود بیست جلد بود این نسخه [مقصود نسخه‌ای است که فردوسی برای محمود به غزنین فرستاد] نه هشت جلد که گفته‌اند، چونکه در بعضی از نسخ شاهنامه برخورده‌ام که در آخر فلان بخش نوشته‌اند تمام شد دفتر هشتم، تمام شد دفتر دوازدهم. ظاهراً نسخه بیش از هفت‌هشت جلد، و شاید بیست جلد بوده، هر جلدی ۲۵۰۰ بیت ۳۰۰۰ بیت.» (نقد حال، ص ۱۲۹) نیز در فردوسی و شعر او نوشته است: «در نسخه‌ای که تقدیم محمود کرد در دیباچه و در خانه کتاب و در اواخر و اوایل برخی از داستان‌ها مدیحه محمود را درج کرده بود، و چون کتاب بسیار مفصل و بزرگ بود بناچار آن را در چندین مجلد، مثلاً هفت دفتر، یا دوازده دفتر یا حتی بیست دفتر، هر دفتری حاوی ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ بیت) نویسانیده و ترتیب داده بوده است.» (ص ۳۹)

در مورد آنچه مینوی از مجلداتِ جداگانه‌ی شاهنامه مطرح می‌کند، به نظر می‌رسد «محملاً منظور از دفتر هشتم و دوازدهم در دستنویس‌هایی که ایشان دیده‌اند، همان بخش‌بندی شخصی خود کاتب در یک یا دو جلد معمول بوده است (همچون دفتر ششم و هفتم نسخه توبقایوسرای) نه جلد به معنای متناهی *بین الدفتین* جداگانه.» (آیدنلو، دفتر خروان، ص ۲۸۸).

اگر دستنویس‌های کهن شاهنامه هفت جلدی بوده باشد، پس می‌بایست بعدها چنین معمول شده باشد که شاهنامه را در دو مجلد کتابت کنند: نیمه‌ی اول آغاز تا پایان پادشاهی کیخسرو، و نیمه‌ی دوم از پادشاهی هراسب تا پایان کتاب. «بعدها در دوره مغول و تیموریان با رواج خط نستعلیق و ریزتر شدن آن (و شاید هم تحت تأثیر هنر کتابسازی چین) چنین معمول شده که مجموع شاهنامه را در یک جلد و در هر سطر ۲ مصراع و گاهی مصاریعی در حواشی بنویسند.» (ریاحی ۲، ص ۵۷)

شاهنامه‌های چاپ سنگی در یک مجلد تنظیم و منتشر می‌شدند و از این دوران شکلی شناخته شده و آشنای شاهنامه می‌شود کتابِ قطورِ تک جلدیِ مصوّر در قطع رحلی. پس از آن البته چاپ‌های انتقادی با عیارِ مختلف و در مجلداتِ متعدد از راه می‌رسد، اما این تصویر از شاهنامه همچنان در نزد عموم مأنوس و موردِ پسند و باب طبع است و به بیان ساده‌تر

رفتنِ حس تعلیق، و پایداریِ نسبی یافتنِ کشمکش‌ها و رسیدن به سرانجامی مشخص، اگرچه موقت است.

جنگ و جدال‌ها و کشمکش‌ها در شاهنامه با غادها و غم‌دهای متعدّدش و با بهانه‌ها و انگیزش‌های متفاوتش، مبتنی‌ست بر ژرف‌ساختِ دینی - اساطیریِ جدالِ خیر و شر / اورمزد و اهریمن. وقتی مجموعه‌ی مشخصی از این جنگ و جدال‌ها به پایانِ حماسی معینی، اگرچه در بنیاد و ژرف‌ساختِ متن تکرار شونده، برسد و موقعیتِ نسبتاً پایداری پدید آورد، دفترهای کتاب حاضر بسته می‌شود. جلدهای هر دفتر مانند دو هلال مجموعه جنگ و جدال‌های معین با پایان‌های مشخص را قاب می‌گیرد.

بنا بر این اصلِ قراردادی، داستان فریدون که نه تنها وضعیتِ پس از دورانِ ضحاک را به موقعیتی تثبیت‌شده می‌رساند که بخش‌بندیِ جهان و میدانِ نزاع‌های آینده را ترسیم می‌کند، پایانِ دفترِ یکم قرار گرفت و داستانِ طولانیِ منوچهر که از دوره‌ی با ثباتِ پادشاهیِ منوچهر آغاز می‌شود و در شرایطِ تثبیت‌شده‌تر، پس از تولدِ پهلوانِ بزرگ، پایان می‌گیرد، دفتر دوم.

کشمکش‌ها و تقابل‌ها در داستانِ منوچهر، از غرابت و رمز و رازِ چهره‌ی زال و چالش‌های او با دنیای بیرون از بدو تولدش تا عشقش به رودابه، و کشمکش‌ها، درگیری‌ها و سدهایی که بر سرِ راهِ ازدواجِ آن دو قد علم می‌کند، از هم‌آیزيِ اسطوره و رمانس بر بستره و ساختار حماسه، و با هدف‌بندیِ حماسی و طرحِ پس‌زمینه‌ی رازِ حماسه تا تولدِ پهلوانِ بزرگ و کودکیِ شگفتِ او امتداد می‌یابد.

داستانِ منوچهر چالشِ میانِ زاده شدن و زاده نشدنِ پهلوانِ بزرگِ حماسه‌ی ملی ایران است. این داستان کشمکش‌هایِ میانِ بودن و نبودنِ پهلوانِ شاهانه، یعنی نبردِ میانِ امکانِ زاده شدنِ پهلوان و امکانِ زاده نشدنِ او را به تصویر می‌کشد.

تولدِ زال با موی سپید، تعبیرِ خاصی سام از چهره‌ی شگفت و غریبِ او، و واهمه‌اش از تعبیرِ دیگران، به دور افکندنِ او بر کوه البرز که شکارِ دد و دام شود؛ نخستین مرحله‌ای‌ست که تولدِ پهلوانِ بزرگ - رستم - را با خطری جدی رو به رو می‌کند. زال به یاریِ سیمرغ نجات می‌یابد و این مرحله به سودِ زنده ماندنِ پدرِ پهلوانِ بزرگ و نتیجتاً به سودِ زاده شدنِ پهلوان طی می‌شود.

دارد. این چاپ که مشتمل بر بخشی از نسخه‌بدل‌های مورد استفاده‌ی مصحح و شرح یکایک ابیات، دربردارنده‌ی اطلاعاتی از متون همزمان و ناهمزمان با شاهنامه و آثار تحقیق این زمینه، به انضمام بررسی ریشه‌شناسی و تحول معنایی لغات و... است، در بخش‌بندی داستان‌ها به مجلدات مختلف با محدودیت‌هایی به مراتب بیش از چاپ‌های یادشده روبه‌روست.

در بخش‌بندی کتاب حاضر به مجلدات مختلف، ابتدا فقط جنبه‌های مربوط به دروغ‌نایه و سازواری و تناسب درون‌متنی مورد نظر بود. بدین ترتیب دفتر یکم در پایان داستان منوچهر به آخر می‌رسید، اما حجم ۱۷۰۰ صفحه‌ای متن و مشکلاتی که ذکرِ مجملی از آن رفت، موجب شد آن شکلِ پیشین که فقط با لحاظ کردن سازواری دوره‌ها و دروغ‌نایه‌ی داستان‌ها و قرار دادنِ اصلیِ معنی بر آن صورت گرفته بود، به قاعده‌ی دیگری تغییر یابد.

تجدید نظر در تنظیم دفترهای اثر حاضر با هر دو ملاحظه‌ی یاد شده صورت گرفته است: مسائل و مشکلات فنی و فرافنی (غی‌دائم) شکل نبودِ انواع کاغذ متناسب با حجم متفاوت کتاب در بازار، مثلاً نبود یا گران‌بودِ کاغذ ۴۵ گرمی/انجیلی را چه باید نامید) که مورد ملاحظه‌ی ناشر است و از آن زاویه به من توجه داده شده است و نیز نوعی اصلی قراردادیِ دروغ‌نایه‌ی که پس از پذیرفتن محدودیت‌های یادشده، مبنای تقسیم دفترهای شاهنامه قرار گرفته است و از این اصلِ قراردادی، تا جایی که مشکلات فنی و فرافنی نشر مانعی ایجاد نکند، تخطی نمی‌شود.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مبنای تقسیم مجلدات شاهنامه

جلدهای شاهنامه در اثر حاضر در نوعی موقعیت ثبات و پایداری در معنای داستانی آن به پایان می‌رسند، خواه به پایانِ خوش بینجامند و خواه همچون داستان رستم و سهراب به پایانِ تراژیک. مقصود از موقعیتِ تثبیت‌شده همان درکِ روان‌شناختی مخاطب در از میان

سیاوش و کاموس کشانی مجلد هفتم، داستان خاقان چین و اکوان دیو مجلد هشتم، داستان بیزن و منیزه و دوازده‌رخ مجلد نهم، جنگ بزرگ کیخسرو با افرسیاب مجلد دهم و.... خواهد بود.



پیشنهادهایی برای راحت‌تر خواندن این کتاب

برای راحت‌تر خواندن این کتاب یا مراجعه‌ی آسان‌تر خوانندگان متفاوت به بخش‌هایی که برای خواندن متن شاهنامه نیاز دارند، ابتدا سطوح مختلف شرح را به اختصار دسته‌بندی می‌کنم:

۱. نسخه‌بدل‌ها، که اختلاف دستنویس یا چاپ‌های مختلف با متن را نشان می‌دهد. قلم نسخه‌بدل‌ها ریزترین قلم متن است و بلافاصله بعد از بیت اصلی می‌آیند.

۲. گزارش و توضیح لغات، عبارات و تعبیر کنایی، مجازی، استعاری و... که در زیر نسخه‌بدل‌ها آمده است. در این بخش لغات و عبارات موجود در بیت به ترتیب آمدن‌شان گزارش شده است و با این مشخصه نشان داده می‌شود: ||

میان مترادف‌هایی که برای یک کلمه یا تعبیر می‌آید و در یک دایره‌ی معنایی قرار دارد ویرگول و اگر معنای دوم یا سوم برای آن ارائه شده باشد با "، نیز" یا "، همچنین" تبیین شده است. اگر بیت دارای دو معنی یا بیش‌تر باشد و منشاء این چند معنایی در لغت یا تعبیری باشد که اینک گزارش می‌شود، در این صورت با ۱، ۲، ۳ معانی مختلف برآمده از یک لغت یا عبارت نشان داده شده است.

در بخش پایانی گزارش لغات، اگر ریشه‌شناسی ارائه شده باشد، میان معانی لغت و ریشه‌شناسی نقطه‌ویرگول قرار گرفته و این دو بخش را از هم متمایز کرده است.

با نام کسان و مکان و همه‌ی اسامی خاص هم مثل لغات رفتار شده، جز آن‌که در این بخش می‌توان توضیحات اساطیری - حماسی متون دیگر را هم یافت که می‌کوشد ریشه‌ها و چگونگی بازنگود این اسامی را در منابع دیگر نشان دهد و تبیین کند.

مرحله‌ی دوم چالش زاده شدن یا زاده نشدن پهلوان، مخالفت جدی و سرسختانه‌ی سام و منوچهر با این ازدواج و خویشاوندی با کسانی‌ست که نَسَب به ضحاک می‌برند. سام و منوچهر از ازدواج زال و رودابه و پدید آمدن فرزندی که جدِ هفتم مادرش به ضحاک می‌رسد، می‌هراسند و می‌خواهند از تولد ضحاکِ دیگر در آستین خاندانِ سام، ستونِ نهادِ پهلوانی ایران، جلوگیری کنند. منوچهر برای جلوگیری از این ازدواج به سام دستور می‌دهد سراسر کابل را بسوزانند، اما تقدیر (پیشگویی ستاره‌شناسان) و سرسختی عشاق این سد را هم پشت سر می‌گذارند.

و سرانجام مرحله‌ی سوم که همان ناممکن بودن تولدِ پهلوان از راهِ طبیعی زهش است. در این‌جا نیز سیمِ غم‌باری می‌آید و روش متفاوتِ تولدِ او را می‌آموزد تا سرانجام پهلوان از پهلوی مادرش پا به جهانِ حماسه می‌گذارد.

داستانِ منوچهر روایت‌گرِ شرایطِ پیش از تولدِ پهلوانِ بزرگِ شاهنامه و کشمکش‌هایی‌ست که یک‌سویِش به تولدِ او می‌رسد و سویِ دیگر به زاده نشدنِ او؛ و صفِ حق و باطلِ حماسی در امتدادِ این دوسویهِ جدالِ آرایش می‌یابد.

بدین‌سان این داستان در زمینه‌سازیِ تولدِ پهلوانِ بزرگِ حماسه‌ی ملی، از بدو تولدِ پدرش و رویاروییِ او با خطرات و مخاطرات، همان عظمت و شکوهی را زمینه‌سازی می‌کند و دورغا می‌دهد که سپس‌تر پهلوانِ بزرگِ شاهنامه در کار و کردار و کنشِ خود سپس‌تر در نمایِ نزدیکِ آشکارا و متحقق خواهد کرد و با گذر از سخت‌خوان‌های خطر و نبردهایِ خطیر و جنگِ تن به تن با اژدها و دیو و دشمنانِ خونخوارِ ایران متجلی خواهد ساخت.

نایب‌داری و کشمکش و جدالی که در داستانِ نوذر شکل می‌گیرد و آغاز می‌شود، با کشته شدنِ نوذر و داستانِ زو ته‌سپ پایان نمی‌یابد و به حالتِ پایداری نمی‌رسد بلکه در داستانِ کیقباد به تثبیت و سرانجامِ حماسی دست می‌یابد.

بنا به رعایتِ همین اصلِ نهاده، داستانِ نوذر نمی‌توانست در کنار داستانِ منوچهر بیاید و پایان‌بندِ دفترِ دوم باشد. پس داستانِ نوذر ابتدایِ مجلد سوم است که با تثبیتِ موقعیتِ داستانیِ دورانِ کیقباد پایان می‌گیرد. داستان‌هایِ کی کاووس مجلد سوم و داستانِ سهراب مجلد چهارم، داستانِ سیاوش و پادشاهیِ کیخسرو مجلد پنجم و ششم، داستانِ فرود

خوانندگان مختلف، سطوح متفاوت این شرح می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اما سطوح متفاوت با قلم‌ها و مشخصه‌های خاص، هریک به سادگی در متن قابل یافتن است و می‌توان در وقت نیاز به هریک از سطوح آن مراجعه کرد.

به کسانی که فقط می‌خواهند متن شاهنامه را همراه با معنی ابیات آن بخوانند و پیش روند و نه بیشتر، پیشنهاد می‌کنم فقط بیت و معنی‌اش، یعنی آخرین بخش ذیل هر بیت را که با مربع توخالی نشان داده شده، بخوانند.

این اشاره نیز شاید لازم باشد که چنانچه متن موجود با نسخه‌هایی که در فهرست راهنمای نسخه‌بدل‌ها آمد اختلافی داشته باشد، این اختلاف در زیر هر بیت، در محل نسخه‌بدل‌ها گزارش می‌شود نمود نشانه‌ی هر نسخه‌بدلی در زیر ابیات بیانگر برابر بودن آن نسخه با متن است. و در صورتی که هیچ نسخه‌بدلی در ذیل بیت نیامده باشد به معنی برابر بودن بیت با همه‌ی نسخه‌بدل‌های فهرست یاد شده است. همین‌طور اگر زیر هر بیت گزارش و توضیح لغات نیامده باشد، معنی‌اش این است که پیش‌تر این لغات و... در همین معنی گزارش شده است.

در پایان بنا بر رسم پسندیده‌ی سیاسی از کسانی که در انجام این کار یار و کمک‌کار بودند، از امیر قاسمی تشکر می‌کنم که برای پرینت‌های پر شمار این متن مداوم به من سوخت کاغذ می‌رساند. از آقای مرتضی رئیسی تشکر می‌کنم که راهکارهای بی‌دریغش در چم و خم کار کردن با نرم‌افزار زرنگار به‌واقع نجات بخش بود.

مهری به‌فر - شهریورماه ۱۳۹۱

mehribefar@gmail.com

۳. بخش بعدی که در ذیل گزارش لغات قرار می‌گیرد و معمولاً با ستاره نشان داده می‌شود، مقایسه‌ی دروغ‌نایه‌ها، مضامین و شخصیت‌های شاهنامه با متون دیگر است.

۴. آخرین بخش زیر هر بیت هم، معنای نهایی بیت است که با مربع توخالی نشان داده شده است. شاید دو هلال و قلابی که در این بخش مشاهده می‌شود نیازمند توضیحی مختصر باشد. در هلال به همان معنی معهود خودش به کار رفته است؛ به معنی "یعنی" یا "به عبارت دیگر". است برای وقتی که لازم باشد معنی را به بیان یا عبارت دیگر بازگفت. و قلاب برای پرکردن بخش‌هایی است که به قرینه‌ی لفظی یا معنوی از بیت حذف شده‌اند و در بیت دیده نمی‌شوند و یا به مثبور تأکید یا روشن کردن نکته‌ای می‌آیند. برای نمونه نگاه کنیم به بیت ۷۷ داستان ضحاک:

گراغایه هم شاه و هم نیکرد / ز ترس جهاندار با باد سرد

□ ... [که آن مرد] والاتبار، هم شاه [عرب‌ها] بود و هم انسانی نیکوکار، [چنان‌که] از فرط خداترسی، همواره آو سرد بر لب داشت (از ارتکاب گناه بیمناک و نگران بود).

کلمات داخل قلاب در بیت نیست. می‌توان هم بیت را با آن‌ها خواند و هم بدون آن‌ها. البته اگر در زیر کلمات بیرون، ولی بی‌فاصله از قلاب‌ها کسره بود، بدیهی‌ست که به هنگام خواندن عبارت، بی‌توجه به قلاب‌ها و کلمات داخلشان، کسره را باید نادیده گرفت و نخواند؛ چون کسره‌ها مربوط به شکلی از خواندن معنی بیت است که کلمات درون قلاب هم خوانده می‌شود.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی ابیاتی است که با یکدیگر معنای پیوسته‌ای دارند و به اصطلاح موقوف‌المعانی‌اند. در آخر اولین بیت / بیت‌ها ویرگول به نشانه‌ی ناتمام بودن جمله و عبارت می‌آید و در ابتدای معنای بیت دوم سه نقطه می‌آید، به معنای این‌که بخش اول این جمله / عبارت در بیت بالا و معنی ارائه شده در ذیل بیت پیش آمده است.

وقتی ابیات به هم پیوسته یا موقوف‌المعانی‌اند و بیش از یک معنا برای آن‌ها ارائه شده است، معنی اول بیت موقوف‌المعانی اول را باید در معنی اول بیت دوم بی‌گرفت و معنی دوم بیت اول را در معنی دوم بیت دوم.

نسخه‌بدل‌ها بیش‌تر برای دانشجویان و کسانی که بر متن شاهنامه کار می‌کنند قابل استفاده است. از نسخه‌بدل‌ها که بگذریم بر حسب زمینه‌ی کار، علاقه و کنجکاوی

م ۱۹۶۳	ملحقات مسکو	م.م. ۱۵
خ ۱۳۶۸	چاپ خالقی مطلق (دفتر یکم)	خا. ۱۶
خ ۱۳۷۳	چاپ قریب - بهبودی	قب. ۱۷
خ ۱۳۸۰	چاپ جیحونی	ج. ۱۸

جدول نشانه‌های اختصاری نسخه‌بدل‌ها

حرف / حروف اختصاری	نام کامل نسخه / چاپ	سال کتابت / سال چاپ
۱. ف	نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی تلورانس	۶۱۴ ق (؟)
۲. ب	نسخه‌ی عربی برگ‌دان بنداری	۶۲۰-۶۲۱ ق
۳. م	نسخه‌ی موزه‌ی بریتانیا	۶۷۵ ق
۴. س	نسخه‌ی دانشگاه سن ژوزف بیروت	به احتمال اواخر قرن هفت و اوایل قرن هشتم
۵. ل	نسخه‌ی لتینگراد	۷۳۳ ق
۶. ح	شاهنامه‌ی مستوفی، حاشیه‌ی ظفرنامه	۸۰۷ ق
۷. خ ۱	نسخه‌ی موسسه‌ی خاورشناسی روسیه شماره‌ی «۱»	۸۴۹ ق
۸. خ ۲	نسخه‌ی موسسه‌ی خاورشناسی روسیه شماره‌ی «۲»	بدون تاریخ - به گمان حد فاصل ۶۷۵-۸۵۰ ق
۹. ق	نسخه‌ی قاهره	۷۴۱ ق
۱۰. ت	چاپ ترنر ماکان	۱۸۲۹ م
۱۱. یم	چاپ یمینی	۱۲۷۶ ق
۱۲. یخ	چاپ بروخیم (از روی نسخه وولرس)	۱۳۱۳ خ
۱۳. مو	چاپ ژول مول	۱۸۷۶-۱۸۷۸ م
۱۴. مس	چاپ مسکو	۱۹۶۳ م